

س‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲–۹ صفر ۱۴۴۵–۵ سپتامبر ۲۰۲۳– دوم– شماره ۶۰۶

اظهارات حسن فتحی و شهاب حسینی در بدرقه مر ترضی پورصمدی

تشیع پیکر فیلمبردار با سابقه سینما



مراسم تشیع مرضی پورصمدی، عکاس و فیلمبردار باسابقه سینما در حالی برگزار شد که بسیاری از همکارانش تأکید داشتند مرگ او به همان شکلی اتفاق افتاد که خودش همیشه می‌خواست.

به گزارش ایسنا، جمعی از هنرمندان سینما صبح دوشنبه ۱۳ شهریور ماه در حیاط خانه سینما (ساختمان شماره ۲) گردهم آمدند تا با یکی از فیلمبرداران مطرح سینما که دو روز قبل ناگهانی و سر صحنه فیلمبرداری دچار مشکل قلبی شد و پس از انتقال به بیمارستان از دنیا رفت، وداع کنند.

پورصمدی در روزهای گذشته مشغول کار در سرپال شبکه نمایش خانگی ساخته حامد عنقا بود که روز شنبه دچار عارضه قلبی شد و درگذشت.

مراسم تشییع این هنرمند با ورود پیکرش در ساعت ۱۵:۱۰ با اجرای توج منصور آغاز شد که می‌گفت تمام طول شب نخواییده و فکر می‌کرده باید چه بگوید.

او گفت: مرضی پورصمدی الگویی بود که باید انسانس بودن را با او بسنجیم. تمام ایران را چرخیده بود و من که سالهاست او را می‌شناسم، حق آن است که به بزرگی‌او شهادت دهم. او پسر بزرگ ایران بود و فردی معتمد و سخاوتمند.

منصوری سپس از محمدرضا اصلاقی برای صحبت دعوت کرد و این مصداق‌ساز با تسلیت به جامعه فرهنگی گفت: بسیاری از آثاری را که باید ساخته می‌شد از دست دادیم. این از دست

داند نتیجه یک نوع نادانی تمدنی ماست چون او فقط یک فیلمبردار نبود بلکه زیبایی را کشف و عرضه می‌کرد و با عکاسی انسان‌شناسی را تصویر می‌کرد.

او افزود: مرضی پورصمدی جغرافیای متحرک ایران بود و ما مسرد ایران را به نگاه و نایجا از دست دادیم. باید از او مراقبت می‌کردیم تا دراین سنن برای تأمین معاش مجبور به کار نباشد. تاچه زمانی قرار است این بی‌فرهنگی را ادامه دهیم؟

منصوری در بخشی دیگر از مراسم گفت:

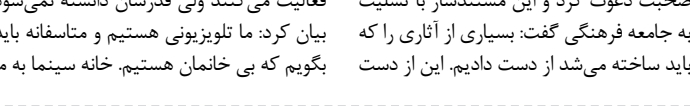
برای پیکرش گریه نکیم چون مرضی بیش از هر چیزی به ما یاد می‌داد که شاد باشیم و اطراف خود را خوب ببینیم.

آدم‌هایی به این بزرگی را کم داریم

حسن بشکوفه تهیه‌کننده سینما که سعی می‌کرد احساسات خود را کنترل کند، گفت: در مراسم عظیم جوانروح که من حالم خیلی بد بود آقای پوراحمد که یادشان زنده‌یاب، برای تسلاوی من گفت، عظیم بدهکار زندگی نبود وسمخ خود را گرفت. حالا درباره مرضی پورصمدی هم باید همین را گفت و من خوشبختم که هم فیلم

سینمایی یا او کار کردم هم مستند و هم سریال.

اما این کارها مهم نیستند بلکه خاطراتش مهم است و ما آدم هایی به این بزرگی را کم داریم. وی با اشاره به اینکه هنرمندانی با این جایگاه فعالیت می‌کنند ولی قدرشان دانسته نمی‌شود بیان کرد: ما تلویزیونی هستیم و متأسفانه باید بگوییم که بی‌خانمان هستیم. خانه سینما به ما



انیمیشنی که اکران آنلاین شد

همه آنچه در «کاغذپاره‌ها» روایت می‌شود

من با استفاده از انیمیشن سعی کردم این فضای تلخ را کم کنم تا مخاطب بتواند با اثر ارتباط بهتری برقرار کند و به نوعی از سطح تعهد در تهران به این مرکز آورده شده‌اند و من در سال ۹۲ زمانی که حدود ۶ ماه از حضور این افراد در این مرکز می‌گذشت به صورت کاملاً اتفاقی به این مرکز رفتم و وقتی با این پدیده آشنا شدم، تصمیم گرفتم سندی را به ثبت برسانم و به همین منظور صدای افرادی که حاضر می‌شدند با من مصاحبه کنند را با هماهنگی آن‌ها ضبط کردم.

این کارگردان که در سینمای انیمیشن تخصص دارد، خاطرنشان کرد: همانطور که گفتیم من بدون اینکه هدفی مشخص برای ساخت فیلم داشته باشم به مرکز نگهداری از زنان آسیب‌دیده وارد شدم ولی بعد از چند سال به این نتیجه رسیدم که بهتر است با استفاده از این صداها اثری در قالب انیمیشن مستند بسازم و به همین صورت مستند انیمیشن «کاغذپاره‌ها» با استفاده از مترپال کارتن خلق شد.

نعلبندی درباره ساختار این مستند گفت: «کاغذپاره‌ها» به هر شکل اثری تلخ است اما

بوده، دعوت کرد و این بازیگر مقابل پیکر

همکارش گفت: آقای پورصمدی دقیقاً یک جوله از مهر خدا بود و هروقت سلام می‌گفتی و جواب می‌داد یا در آغوشت می‌گرفت، حس می‌کردی در آغوش خدا هستی!

این مسافر ما مشتاق سفر حق است و نمی‌خواهم وقت بیشتری را بگیرم فقط می‌گویم کتاب جذاب «جاق سرد» آقای پورصمدی را بخوانید و کسانی که می‌خواهند ایشان را بشناسند و یا حتی هدیه‌ای نفیس بدهند حتماً سراغ این کتاب بروند.

وی افزود: آقای پورصمدی با رفتنش حس روزی را در من زنده کرد که پدرم را از دست دادم چون در فیلم «ساکن طبقه وسط» ایشان برای مسن پدری کرد و اگر نبودند فیلم تمام نمی‌شد.

ما یک هنرمند جامع الطراف را

از دست دادیم

حسن فتحی کارگردان هم در سخنانی بیان کرد: ما در اینجا بزرگان بسیاری را بدرقه کردیم اما برایم سخت بود تصور روزی که استاد را در اینجا بدرقه کنیم.

وی ادامه داد: ما یک هنرمند چند وجهی و جامع‌الطراف را از دست دادیم. او معلم اخلاق بود بدون آنکه از اخلاق صحبتی کند. معلم عرفان بود بدون آنکه از عرفان حرفی بزند و این ترازوی تاریخی ماست که تجربه‌ها از نسلی به نسلی دیگر منتقل نمی‌شود.

خیلی زمینی نبود

محمد مهدی عسگرپور رییس هیات مدیره خانه سینما نیز به عنوان یکی از آخرین سخنرانان مراسم گفت: می‌خواستم بگویم آقای پورصمدی آسمانی شد ولی خیلی هم زمینی نبود. او گنجینه ارزشمندی از خود به جا گذاشته که به نظرم از روح سبک و سیال ایشان بوده است و او امروز به جایگاه آرامش برسان خود می‌رسد.

میлад دستیار مرضی پورصمدی نیز در جملاتی کوتاه با اشاره به اینکه مرضی پورصمدی را «آقاجان» صدا می‌زده، گفت:

بزرگ‌ترین مردی که در زندگی دیدم آقاجان بود و خوشحالم که با همان میزانسنی که دوست داشت یعنی روی پا و سر صحنه از دنیا رفت.

عادل پورصمدی، فرزند این هنرمند با تسلیت به مادرش گفت: بعد از اینکه پدر آسمانی شد، دیدم تعداد خواهرها و برادرهایم خیلی بیشتر است و این باعث دلگرمی بود.

او افزود: من چند جا به پدرم حسودی کردم از جمله اینکه در ۱۰ سالگی معنای زندگی را در ویزور دوربین پیدا کرده و این برای هر کسی اتفاق نمی‌افتد. حیف که دیگر او را نمی‌بینم. همسر مرضی پورصمدی آخرین نفری بود که در این مراسم صحبت کرد و در جملاتی کوتاه با تشکر از حاضران گفت: شیشه مرضی شکست، دل ما هم شکست و سوختم.

در پایان مراسم توج منصور گفت: ما سخنماگران ایران یعنی تمام اهل این حرفه

فارغ از اینکه به چه دسته و گروهی تعلق داشته باشیم، از درگاه هستی و خداوند بزرگ آرزو می‌کنیم که مرتری های دیگری را بیافریند. در این مراسم هنرمندان و مدیرانی همچون شهاب حسینی، مهدی سلطانی، حامد عنقا، بابک کریمی، بهزاد فراهانی، فرهاد توحیدی، سیف‌الله صدیقان، منوچهر شاهسوری، جمشید گرگین، رضا کیانیان، عزیز ساعتی، بهرام بدخشانی، توج منصور، حسن فتحی، محمدمهدی عسگرپور، حبیب اسماعیلی، امیرشهاب رضویان، مهدی میامی، مرضی زراق کریمی، مرضیه برومند مدیر عامل خانه سینما، علی مصفا، مهدی جعفری، جعفر صائمی مقدم، همایون امامی، محسن امیر یوسفی، ستاره اسکندری، محمدمهدی طباطبایی نژاد مدیر سابق مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی حضور داشتند.

پیکر مرضی پورصمدی پس از مراسم بدرقه از مقابلی خانه سینما به بهشت سکینه کرج منتقل شد.

بهشت سکینه در کیلومتر ۵ اتوبان کرج قزوین، کمال شهر، خیابان بهشت سکینه قرار دارد و آرامگاه پورصمدی نیز در قطعه ۲۲ ردیف ۲۶ شماره ۱۰۸ واقع شده است.

مرتی پورصمدی ۱۱ شهریور ماه سر صحنه سرپال شبکه خانگی «گناه یک فرشته» به کارگردانی حامد عنقا بوده که حالش بد می‌شود و متأسفانه پس از انتقال به بیمارستان با وجود تلاش پزشکان از دنیا می‌رود.

این مستند ساز و فیلمبردار سینمای و تلویزیون ایران را شاید بیش از همه با کارهای مستندش بشناسیم، همچون «خوردورق» و «قش و نقشه برداری» و همچنین مجموعه تلویزیونی «کودکان سرزمین ایران» و…

این هنرمند متولد ۱۳۳۱ در همدان و فارغ‌التحصیل رشته فیلم‌برداری از مدرسه عالی تلویزیون و سینما بود. او در سه حوزه فیلم‌های مستند، فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی مدیر فیلمبرداری بوده و در برگزاری نمایشگاه عکس نیز دستی بر آتش داشته است. فیلم‌های سینمایی «گیلانه»، «دایره زنگی»، «قلیما»، «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند»، «هویت»، روایت سه‌گانه (اپیزود رخشسان بنی‌اعتماد) و «یک گزارش واقعی» از جمله فیلم‌هایی است که او در فیلم‌برداری آن‌ها نقش داشته است. همچنین سریال‌های «مزد ترس»، «سدار صفر درجه» و «حیرانی» نیز از جمله سریال‌های تلویزیونی است که تصویربرداری آن‌ها برعهده پورصمدی بود.

او به واسطه سال‌های فعالیت حرفه‌ای، جوایز مختلفی را در حوزه فیلمبرداری به دست آورد که از آن جمله می‌توان به سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری از بیست و هفتمین جشنواره فجر، جایزه بهترین فیلمبرداری از جشنواره‌های رشد، کبوترک، سینماحقیقت و… اشاره کرد. پورصمدی همچنین نمایشگاه‌های عکس خود را در سوئد، فرانسه، کانادا و… برگزار کرده بود.



این آثار معضلات آن دوران را به خوبی درک کنید اما ممکن است فیلم داستانی در زمان خود بسیار مورد توجه قرار بگیرد ولی برای سال‌ها بعد جذابیتی نداشته باشد و ارزش آن کاهش پیدا کند.

این کارگردان در پایان تأکید کرد: موفقیت یا کیفیت فیلم‌های سینمایی را نباید با میزان فروششان قضاوت کرد. آثار سینمایی که در قالب همیشگی قرار نمی‌گیرند و فیلم‌های متفاوتی هستند همیشه آثار تأثیرگذارتر و دغدغه‌مندتری هستند اما ممکن است به فروش چندانی نرسند. اگر قرار باشد باب میل مخاطب فیلم بسازید همه چیز مشخص است.

سیاستمداران «ولز» خواستار استرداد مجموعه اشیاء «ولزی» شده‌اند

ادامه جنجال موزه بریتانیا

یک زنجیر ساخته‌شده از تفره‌های سیمی و نهره‌های سیقلی از جمله اشیائی به شمار می‌روند که در ۱۰ سال اخیر در این موزه نابدید شده‌اند.

هفته گذشته نیز به دنبال سرقت برخی از آثار «موزه بریتانیا» یکی از روزنامه‌های دولتی چین خواستار استرداد تمام آثار فرهنگی می‌شوند. سیدمهدی حسینی متین، کاردار ایران در لندن نیز در واکنش به سرقت موزه بریتانیا این سوال را مطرح کرد که «با این موزه همچنان مکانی امن برای نگهداری این آثار باارزش از جمله اشیاء ایرانی است؟ آیا مسئولان موزه بریتانیا می‌توانند اعتماد صاحبان اصلی خارجی را دوباره به دست آورند؟»

در حال حاضر بر اساس مصوبه سال ۱۹۶۳ «موزه بریتانیا»، استرداد کامل اشیاء موزه ممنوع است، با این‌حال مشخص نیست است این مصوبه در مورد اشیاء ولزی حطور اعمال می‌شود.

فرهنگی

اخبار کوتاه

کمدی نویسی که سوژه یک مستند شد

مستند «کمدی‌نویس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی آریان رضایی آماده نمایش شد.

این مستند به زندگی تئاتری کوروش نریمانی از نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانان شناخته شدهی تئاتر ایران می‌پردازد.

مستند «کمدی‌نویس» پس از ساخت مستندهای «جادونویس» (درباره نغمه ثمنی)، «هازی‌نویس» (درباره محمد رضایی‌راد)، «رویای ناتمام» (درباره حمید پورآذری) و «هرگ در حمام بنفش» (درباره حسین کیانی) پنجمین قسمت از مجموعه مستند «وقفه‌ها» ساخته‌ی آریان رضایی است که به زودی در یکی از پلتفرم‌های آنلاین، اکران خواهد شد.

کوروش نریمانی زاده سال ۱۳۴۸ در نورآباد لرستان و کارشناس ادبیات نمایشی از دانشکده سینما تئاتر و کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشگاه تربیت مدرس است.

او سا نگارش و اجرای نمایش‌هایی چون «شب‌های آوینیون»، «والس مرده‌شوران»، «دن کامیلو»، «شواویک»، «جن‌گیر» و … یکی از هنرمندان تاثیرگذار تئاتر ما به شمار می‌آید که در عرصه کمدی هم فعال است.

در کارنامه هنری نریمانی، علاوه بر اینها، کارگردانی نمایش‌هایی همچون «هتل پلازا»، بازی در نمایش‌هایی مانند «شکار گاه ممنوع» (نادر برهانی‌مزد)، «یادگار سال‌های شن» (علی رفیعی)، «تئاتر بی‌حیوان» (مهدی مکاری)، بازی در فیلم سینمایی «آرزوهای زمین» ساخته وحید موساییان و … دیده می‌شود.

او علاوه بر این به عنوان نویسنده و کارگردان در تلویزیون هم فعالیت‌های متعددی داشته که از جمله آنها می‌توان به نویسندهی سریال‌های «مجمع مسکونی فرج و فرخ» ساخته اصغر فرهادی، «باجناخ‌ها» کار فرهاد آبیض، «زندگی به شرط خنده» به کارگردانی مهدی مظلومی و … اشاره کرد. تگارش سریال «شهرک کلیله و دمنه» به کارگردانی مرضیه برومند که از شبکه نمایش خانگی پخش شد، از فعالیت‌های اخیر او به شمار می‌آید.

گفتنی است در مستند «کمدی‌نویس» که تابستان سال جاری و با هدف ثبت تاریخ شفاهی تئاتر معاصر ایران ساخته شده است، امیر قالیچی مجری طرح، محمد جواد ایزدی تدوین و اصلاح نور و رنگ، سیامک سنایی مدیر فیلم‌برداری، ندا آل طب مشاور پژوهش و رسانه، سبا امیری دستیار کارگردان، ساینقا قادری و رضا جاویدی عکاس نیز آریان رضایی را همراهی کرده‌اند.

پخش خاطرات و مداحی‌های دهه ۴۰ در تلویزیون

پس از گذشت چهار سال از ساخت برنامه‌ای با موضوع مداحی، پخش بخشی از این برنامه با عنوان «رسم اهل ادب» از شبکه آموزش سیما روی آنتن می‌رود. به گزارش ایسنا، برنامه «رسم اهل ادب» که به مرور آداب مداحی از زبان پیشکسوتان مداحی و رسم دورخوانی مداحان جوان و اصیل خوان می‌پردازد، تولید مشترک مؤسسه هلال و تیوا فیلم است که بخش بیش از ۱۳۰ قطعه سخنرانی و مداحی از دهه ۴۰ تا ۷۰ خورشیدی را برای نخستین‌بار با حضور بیش از ۷۰ مداح پیشکسوت روی آنتن می‌برد.

در بخش خاطره‌گویی و مرور آداب که تعدادی از آنان در فاصله تولید تا پخش این برنامه، از دنیا رفته‌اند.

ترجمه و توضیح کلمه‌ها، اشعار عربی و پارسی و متن یابی نوحه‌ها، احادیث و شعرهای پارسی و عربی بخش‌هایی از برنامه را شامل می‌شود.

همچنین قرار است نمونه‌هایی از رسم اصیل «دورخوانی» و «زمی خوانی»، یادگار مداحان اصیل‌خوان با حضور بیش از ۲۰۰ مداح پیشکسوت اصیل‌خوان در برنامه‌ای تلویزیونی انجام می‌شود.

این برنامه تا پایان ماه صفر هر شب ساعت ۲۱ از شبکه آموزش سیما پخش خواهد شد.

«رسم اهل ادب» از: شامگاه یکشنبه (۱۲ شهریور) از شبکه آموزش سیما روی آنتن قرار گرفته است.

ماه، قطعه جدید حسام‌الدین سراج

قطعه ارکسترال «ماه» با شعرهای از عبدالجبار کاکایی و با صدای حسام‌الدین سراج به مناسبت اربعین حسینی منتشر شد.

به گزارش ایسنا، برنامه تلویزیونی «ماه» امسال با نگاهی متفاوت به اربعین حسینی از شبکه «سپس» پخش می‌شود و قطعه «ماه» به عنوان تیتراژ این برنامه به سفارش ستاد مرکزی اربعین حسینی تولید شده است. این قطعه با شعری از عبدالجبار کاکایی، آهنگسازی امید داووزنی و صدای حسام‌الدین سراج با مدت زمان ۵ دقیقه تولید شده است.

آهنگسازی قطعه «ماه» به صورت ارکسترال و با ترکیب ارکستر سازهای زهی با سازهای ایرانی و همچنین بهره‌گیری از گروه کر، توسط امید داورزنی آهنگسازی شده است.

داورزنی این قطعه را در مایه‌های دشتی و رهاوی تنظیم کرده که از مقام‌های اصیل ایرانی محسوب می‌شوند و در موسیقی مذهبی ایران به ویژه در تعزیه و مداحی، از دیرباز استفاده می‌شده است.

در این قطعه تلاش شده است با تکیه بر شعار «حیانت‌الحسین (ع)» به عنوان شعار محوری اربعین امسال (۱۴۴۵) تصویری از حال و هوای زائرین اربعین حسینی در قالب شعر و موسیقی به نمایش گذاشته شود.

ایمن اثر در شب زبارتی حضرت با عبدالله(ع) همزمان با فرا رسیدن اربعین امام حسین علیه‌السلام در شهر کربلا با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حمید احمدی (رییس کمیته فرهنگی آموزشی ستاد مرکزی اربعین حسینی) ، جمعی از شاعران و ستایشگران اهل بیت رونمایی و برای عاشقان آن حضرت در بستر رسانه ملی و شبکه های مجازی قرار گرفت.

«مصاحبه با کِن لوچ» در یک کتاب

کتاب «مصاحبه با کِن لوچ» نوشته ادوار لوئی با ترجمه روح‌انگیز نجفی جابلیو راهی بازار کتاب شد.

به گزارش ایسنا، این کتاب در ۱۱۲ صفحه با شمارگان ۳۰۰ نسخه و بهای ۸۰ هزارتومان در نشر قطره (ایرتیز) منتشر شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: کِیت کِن لوچ در ۱۷ ژوئن ۱۹۳۶ در تونپتون، وارویک شایر، در میدلندز غربی دیده به جهان گشود. وی کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس سینما و تلویزیون اهل انگلستان است که به خاطر سبک ناتورالیستی و متأثر از واقع‌گرایی اجتماعی شناخته می‌شود که از طریق آثارش، صدای افراد محروم جامعه را انعکاس می‌دهد. در کتاب حاضر، کن لوچ و ادوار لوئی، دو هنرمند از کشور و دو نسل متفاوت، درباره علم هنر، سینما و ادبیات و بحث و گفت‌وگو می‌پردازند؛ این که هنر چگونه می‌تواند مسئله خشونت طبقاتی را مطرح و بازاندیشی کند؟ و نقش هنر در زمینه سیاسی چیست؟ کن لوچ و لوئی با ارائه نگرش‌های خود به مطالعه واقعبینانه عینی جامعه می‌پردازند و با ظرافت و هوشمندی تمام، ابعاد بسیار مهم و پیچیده زندگی روزمره را با هنر سینما پیوند می‌دهند. کتاب حاضر با نگاهی مشخص است به مشاهدات دقیق جامعه‌شناسی، کمک شایانی به فهم ما از سینمای کن لوچ ارائه می‌دهد.

پرچم روسیه بر فراز برج برلین

برنامه عکس‌های تکان دهنده از شبکه اسپانیایی زبان هیسپان تی وی در این قسمت داستان عکس سربازی را روایت می‌کند که در پایان جنگ جهانی دوم پرچم روسیه را بر فراز برج برلین قرار می‌دهد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی صداوسیما، در این قسمت از برنامه «عکس‌های تکان‌دهنده» می‌بینیم که سربازی از ارتش سرخ پرچم روسیه را بر فراز برج برلین به نشانه پایان کار آلمان نازی و جنگ جهانی دوم برافراشته است. این عکس مربوط است به دوم ماه می سال ۱۹۴۵ در برلین است که باعث شد عکس یک سرباز از ارتش سرخ در حال برافراشتن پرچم اتحاد جماهیر شوروی بر فراز برج برلین به عنوان نمادی از سقوط آلمان نازی و پایان جنگ جهانی دوم بدل شود. یوگنی آناتویخ خلید ثبت‌کننده این عکس در ۲۳ مارس ۱۹۱۷ در خانواده‌ای یهودی در اوکراین متولد شد. در ۱۹ سالگی کار خود را به عنوان یک عکاس حرفه‌ای در ژانسن خبری شوروی TASS شروع کرد. هنگامی که پدر و سه خواهرش توسط نازی‌ها کشته شدند، او به عنوان عکاس جنگ به ارتش سرخ پیوست. شاهکارهای او در جنگ جهانی دوم بعداً در سال ۱۹۸۴ در یک کتاب منتشر شد. این عکس‌ها شامل تصاویری از ارتش سرخ محاصره شده توسط ژاپنی‌ها در منچوری و دادگاه‌های نونبرگ است؛ جایی که اعضای برجسته نازی تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

«عکس‌های تکان‌دهنده» کاری از واحد برنامه‌های شبکه پرس تی‌وی به تهیه‌کنندگی کیوانش الطافی است که برای مخاطبان اسپانیایی زبان شبکه هیسپان تی‌وی بازنه‌گردانی شده است و روزهای پنجشنبه ساعت ۱۰:۰۵، ۳:۱۵ و ۱۹:۱۵ و وقت نگرش‌های بخش می‌شود و تکرار آن روز جمعه ساعت ۱۲:۱۵ روی آنتن هیسپان تی‌وی می‌رود.